

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: اناهیتا اردوان
فرستنده: دپلوم انجنیر نسرین معروفی
۳۰ نومبر ۲۰۲۰



۱۳

به ادامه گذشته:

ژن ماری

«ژن ماری» (۱۸۷۷-۱۹۱۹)، در فرانسه بدنیا آمد و پس از خاتمه تحصیلاتش بعنوان آموزگار در لهستان مشغول به کار شد. سال ۱۹۰۵، عضو حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه شد و در زمان انقلاب اکتبر با کمیته بلشویکی مسکو، فعالانه همکاری کرد. وی، از بنیانگذاران کلوپ کمونیستهای انترناسیونال بود. سال ۱۹۱۸، در ایجاد گروههای کمونیستی فرانسه شرکت جدی داشت و پس از سال ۱۹۱۹، برای کمیته های مخفی علیه اشغالگران فرانسوی در بخش تبلیغات فعالیت می کرد. علاوه بر این، در تدارک شورش ملوانان فرانسوی در دریای سیاه شرکت جست. در شامگاه روز شورش، توسط اشغالگران دستگیر و بی درنگ تیرباران شد.



لنین، رهبر انقلاب اکتبر، وی را نماد پیکار و ایستادگی رویاروی اشغالگران فرانسوی در ضدیت با مداخله آنان در امور داخلی روسیه، به شمار آورد.

سلینا کوپر

«سلینا کوپر»، فرزند چارلز و جین کومبی، در چهارم ماه دسامبر سال ۱۸۶۴، در کالینگتن انگلیس به دنیا آمد. مادر سلینا بعد از مرگ چارلز کومبی در اثر بیماری حصبه، برای گذران زندگی و رفع مصائب معیشتی دو فرزند و مادر هفتاد و چهار ساله اش، در کارخانه نساجی واقع در شمال لندن، به کار مشغول گشت. پس از گذشت مدت کوتاهی، سلینا و برادرش آلفرد نیز، در آن کارخانه شروع به فعالیت کردند. سلینا دوازده سال بیشتر نداشت که نیمی از روز را در کارخانه و مابقی روز را در مدرسه سپری می کرد. در سیزده سالگی، تحصیل را رها کرد و کار در کارخانه نساجی را بطور تمام وقت ادامه داد. هشت شیلینگ دستمزد برای پنجاه و دو ساعت کار در هفته بعنوان دستمزد دریافت می کرد. بدین ترتیب، خانواده کومبی قادر به کرایه خانه

کوچکی در نزدیکی کارخانه نساجی، گشتند. جین کومبی پس از مدتی به علت بیماری رماتیسم، خانه نشین شد. سال ۱۸۸۲، بجهت شدت بیماری رماتیسم دیگر توان و قدرت راه رفتن نداشت و برای تأمین نیازمندیهای روزمره زندگی، در خانه، خیاطی می کرد. از این رو، سلینا مجبور شد به یاری مادرش بشتابد. خوشبختانه، جین کومبی با خرید یک چرخ خیاطی کوچک موفق به جلب مشتریانی که برای خلاقیت و استعداد سلینا در دوختن پوشاک، دستمزد مناسبی میپرداختند، گشت. در این زمان، سلینا با رختشویی مسئولیت تأمین بخشی از نیازهای زندگی را به عهده داشت. او به رختشویی تا زمانی که جین کومبی در سال ۱۸۸۹، چشم از جهان فروبست، ادامه داد. سپس، دوباره به کار در کارخانه نساجی بازگشت و به عضویت اتحادیه کارگران نساجی درآمد.



با این که بیشترین اعضای اتحادیه کارگران نساجی را زنان تشکیل میدادند ولی مدیریت اتحادیه با مردان بود. سلینا از نخستین روزهای عضویتش در اتحادیه با این پدیده به مخالفت برخاست. به عنوان مثال، با سیستم دستشویی بدون درب، به شدت اعتراض کرد. سال ۱۸۹۱، در نشستها و گفتگوهای اعضای اتحادیه پیرامون ایجاد امکانات دستشویی درب-دار شرکت کرد و در جریان تبادل نظرهای نشستها بر رفع معضل آزار و اذیت جنسی زنان کارگر تأکید ورزید. ولی، مدیریت و رهبری اتحادیه، که به طور کامل چهره بی مردانه

داشت، اندک علاقه‌ی بی به حل معضل ازار و اذیت جنسی زنان کارگر، نشان ندادند. در همین دوران، سلینا به موازت فعالیت در اتحادیه کارگری، برای ادامه تحصیل، در کلاسهای آموزشی که بوسیله اعضای زن اتحادیه مزکور اداره می شدند، شرکت کرد. همزمان با این گونه فعالیتها، مطالعه کتابهای تاریخی و سیاسی را آغاز نمود تا قادر باشد بهتر و عمیقتر به تجزیه و تحلیل پدیده ها، بپردازد. علاوه بر اینها، مطالعه کتابها و جزوه های پزشکی، جهت مداوا و دستگیری از کارگران زنی که توانایی مراجعه به مطب پزشک را نداشتند، در دستور کار خود قرارداد.

وقتی در شهر نلسن، محل سکونت سلینا، حزب مستقل کارگری تأسیس شد، ادعای این حزب در مورد دفاع از حقوق زنان، توجه سلینا را به خود جلب نمود. در دفتر محلی حزب، با «رابرد کوپر»، کارگر نساجی سوسیالیست و مدافع حقوق زنان، آشنا گشت. سرانجام، در سال ۱۸۹۶ با یکدیگر، ازدواج کردند. دنیا آوردن دو فرزند پس از گذشت سه سال از زندگی مشترک و آموزش و پرورش آنان نتوانست حتی لحظه‌ی بی وی را از فعالیت در عرصه های سیاسی و کارگری، بازدارد.



سال ۱۹۰۰، سلینا به انجمن دفاع از حقوق زنان، شعبه شمال انگلیس، پیوست. زنانی که در این انجمن جهت مشارکت زنان در جنبش حق رأی، فعالیت می کردند، معتقد بودند که زنان در چارچوب خانواده از حق برابر با همسران خود برخوردار نیستند و این نابرابری را بازتابی از تبعیض جنسیتی در جامعه می دانستند. اعضای انجمن بر این باور بودند که زنان در کارخانه ها، نسبت به همکاران مردشان، در موقعیتی پست تر و نامناسب تری، قرار دارند و این پدیده را زاینده قوانین و قراردادهایی می شمردند که حقوق بیشتری برای کارگران مرد نسبت به کارگران زن، قائل است.

سلینا نه تنها با تلاشی پیگیر، اعضای انجمن مزبور را در نگارش و تهیه و تنظیم عریضه‌ی مبنی بر خواسته‌های زنان کارگر، یاری رساند. بلکه، به تنهایی با تبلیغات وسیع موفق شد تا زنان کارگر را از حقوقشان، آگاه سازد. در این روند، عریضه‌ی یاد شده به امضای هشتصد کارگر زن رسید. متعاقباً، در بهار سال ۱۹۰۱، نزدیک به سی هزار زن، عریضه‌ی مذکور را امضا کردند و سلینا به عنوان یکی از نمایندگان جهت معرفی عریضه در مجلس عوام انگلیس، انتخاب شد.

سال ۱۹۱۰، حزب مستقل کارگری از سلینا درخواست کرد تا نامزدی هیأت مدیره‌ی قوانین اصلاح شرایط و موقعیت فقرا در انگلستان^۲ را بپذیرد. اگرچه زنان بر طبق قانون، از سال ۱۸۶۹، از حق نامزدی در انتخابات مزبور، برخوردار گشته بودند. اما، هیچ زنی از طبقه‌ی کارگر، تا کنون، به عنوان نامزد انتخاباتی، برگزیده نشده بود. سلینا کوپر، به رغم مخالفت شدید روزنامه‌ها، در انتخابات یادشده، پیروز شد. اگرچه بخش عمده‌ی نظرات سلینا توسط هیأت مدیره، رد شد. ولی، او با ارائه‌ی برهان و دلایل منطقی قادر شد هیأت مزبور

را به پذیرش طرحی که به سالمندان اجازه آزادی عمل بیشتری می داد، وادار سازد. مبارزه برای حق رأی و انتخاب زنان، ثقل فعالیت‌های سلینا، بودند. لذا، در سال ۱۹۵۰، طی سخنرانی مفصل و آتشینی در کنفرانس حزب زحمتکشان ملی، از حق رأی و انتخاب زنان، قاطعانه، حمایت نمود. این سخنرانی، بر محبوبیت و شهرت‌اش، در جمع مدافعان حقوق زنان و زحمتکشان، افزود.

سلینا، یکی از سازمان دهندگان جامعه طرفداران حق رأی و شرکت زنان در انتخابات سال ۱۹۱۱ بود. این جامعه، تحت تأثیر تلاش بی وقفه و دلایل محکم و مستدل وی، در انتخابات پارلمانی آوریل ۱۹۱۲، از حزب زحمتکشان حمایت کرد. مضاف بر اینها، سلینا در مبارزه با فاشیسم دهه ۱۹۳۰، نقش برجسته و بسزایی، ایفاء نمود.

سلینا کوپر، پس از تلاش و مبارزه بی پیگیر، در یازده نوامبر سال ۱۹۴۶، سالها بعد از تصویب حق نامزدی زنان در انتخابات پارلمانی کشور انگلستان، سال ۱۹۱۸، دیده از جهان فروبست.

ادامه دارد

۲ - Poor Law Guardian elections

انتخابات هیأت مدیره تعیین و تصویب قوانینی جهت اصلاح وضع فقرا و محرومان که از سال ۱۸۳۵ تا ۱۹۳۰، در انگلستان برگزار میشد.